

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی نظام

مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

مهدی حدادی *

محمد ستایش‌پور **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

DOI: 10.22096/LAW.2019.78660.1205

چکیده

مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، سخن از مسئولیت در ارتباط با عمل دیگری به میان آورده‌اند که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد می‌شود؛ لیکن، از آنجا که موارد حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی روشن نشده، دامنه اعمال آن نیز مشخص نیست. مقاله حاضر بر آن است تا با موشکافی مواد مربوطه در هر دو سند یاد شده، به مصادیق مسئولیت اشتقاقی بپردازد تا بشود به دامنه اعمال آن پی برد. لذا از رهگذر مطالعه تطبیقی مواد مربوط در این دو طرح، به این کار پرداخته می‌شود. مقاله حاضر بر آن است که مسئولیت اشتقاقی چه در خصوص دولت‌ها و چه در مورد سازمان‌های بین‌المللی، شامل هر چهار حالت «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل»، «اجبار» و «گریز از تعهد بین‌المللی» است. به رغم آنکه گریز از تعهد بین‌المللی در مجموعه مواد ۲۰۰۱

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) Email: mhaddady@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com



۲ حقوق تطبیقی / دوره هشتم / شماره يك / پیاپی ۱۵ / صص ۱-۲۴

راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیامده است، اما در مورد دولت‌ها هم قابل اعمال است. مسئولیت اشتقاقی، در کنار اساس بنیادین حقوق مسئولیت بین‌المللی یعنی مسئولیت مستقل، می‌تواند به عدالت در اعمال مسئولیت بینجامد.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین‌المللی؛ مسئولیت فرعی؛ مسئولیت ثانوی؛ مسئولیت غیرمستقیم.

مقدمه

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد پس از ارائه طرح ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تنها کمتر از ده سال، موفق به ارائه مجموعه مواد ۲۰۱۱ راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی شد. حال آنکه تهیه و ارائه مجموعه مواد ۲۰۰۱ بیش از پنجاه سال به درازا کشید؛ این بدان جهت است که کمیسیون، و به‌طور خاص تنها گزارشگر آن، آرانجیو ز، برای ارائه مجموعه مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی از روش کپی-الحاق استفاده کردند و در واقع از همان شالوده، شاکله و ساختار مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بهره جستند.^۱ با این همه، مجموعه مواد ۲۰۱۱ نیز دارای نوآوری‌هایی حتا در زمینه دولت‌ها است که بسیار قابل تأمل است و تنها از رهگذر مطالعه تطبیقی این دو یافته حائز اهمیت کمیسیون، قابل تحقق است؛ هرچندکه به‌رغم آنکه جامعه کنوانسیون به خود نپوشیده‌اند مورد استناد دولت‌ها و مراجع حقوقی بین‌المللی قرار گرفته‌اند.^۲ در واقع، از آنجا که بیشتر قواعد مقرر در این آورده‌های کمیسیون حکایت از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و در مواردی هم توسعه تدریجی آن‌ها دارد، در تهیه آن قواعد بسیار ظریف و دقیق عمل شده است، به‌طوری‌که بازتابی خوب از نظام حقوق مسئولیت بین‌المللی هستند.

کمیسیون در هر دو سند، سخن از مسئولیت در ارتباط با عمل دیگری به میان آورده که با عنوان مسئولیت اشتقاقی شناخته می‌شود.^۳ بدون تردید نگاه به یکی از این دو طرح به‌تنهایی، برای نیل به ساختار حقوق مسئولیت بین‌المللی ابتر خواهد بود؛ زیرا کمیسیون مواردی که پرداختن به مسئولیت دولت مستلزم رسیدگی به سازمان بین‌المللی بوده را در مجموعه ۲۰۱۱ آورده است. وقایع کنونی جامعه بین‌المللی به‌خصوص در منطقه خاورمیانه، نشان از بحث مسئولیت اشتقاقی دارد، اما در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل، آثاری که به مسئولیت اشتقاقی پرداخته باشند بسیار کم هستند.^۴ بدین ترتیب مقاله پیش‌رو بر آن شده است تا از رهگذر مطالعه

1. See: Ahlbom, 2012: 1.

2. See: A/71/80, 2016: 5 & 24.

۳. نک: ستایش‌پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۷۷۵ و ۷۷۶.

۴. برای ملاحظه نخستین اثری که به فارسی در این باره نگاشته شده است، بنگرید به: محمد ستایش‌پور، مسئولیت اشتقاقی

تطبیقی هر دو مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌المللی به روشن‌سازی دامنه اعمال مسئولیت اشتقاقی در حقوق بین‌الملل بپردازد، چرا که بر این باور است که هر دو از روحی حاکم برخوردار بوده و صرف‌نظر از اینکه دولت مطمح نظر باشد یا سازمان بین‌المللی، ضابطه بنیادین واحد است و این تنها با مطالعه تطبیقی مواد پیش‌گفته دست‌یافتنی است. با توجه به فراگیر شدن این قسم از مسئولیت در جامعه کنونی بین‌المللی، پژوهش پیش‌رو، علاوه بر بُعد بنیادین نظری، وجه کارکردگرایانه دارد.

۱- کمک یا مساعدت

کمک یا مساعدت به عنوان یکی از انحاء حصری مسئولیت بین‌المللی در ارتباط با عمل دیگری است.

۱-۱- کمک یا مساعدت دولت به دولت دیگر

به موجب ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱، برای اینکه دولتی را بتوان به جهت کمک یا مساعدتش در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول دانست، احراز سه مؤلفه لازم است:^۱ نخست اینکه دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده از اوضاع و احوال آن تخلف بین‌المللی آگاهی داشته باشد؛ دوم اینکه کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن تخلف بین‌المللی باشد و واقعاً هم ارتکاب عمل مربوط را تسهیل کند؛ و سوم اینکه اگر دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده خودش هم عمل را انجام می‌داد عمل متخلفانه آن به حساب می‌آمد.^۲ شرط آگاهی دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده از شرایطی که عمل متخلفانه بین‌المللی دولت را به دنبال دارد موجب می‌شود تا هر کمک یا مساعدتی را نتوان موجب بار کردن مسئولیت قلمداد کرد. شرط دیگری که برای کاربست ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱ لازم می‌نماید آن است که «کمک یا مساعدت»

در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت بین‌المللی) → سازمان‌های بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تحت راهنمایی دکتر مهدی حدادی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، ۱۳۹۴؛ درحالی‌که در آثار انگلیسی زبان حقوق بین‌الملل، به ابعاد مختلف و لایه‌لایه آن پرداخته شده است و یک گروه کاری که اندیشمندان و پژوهشگران مطرحی از جمله پروفیسور جیمز کراوفورد هم با آنان همکاری دارند به تحقیق و تتبع در آن اختصاص یافته است که ماحصل مطالعات آنان در آدرس الکترونیکی ذیل قابل دسترس است: <http://sharesproject.nl>

1. See: Aust, 2011: 192-193 & Lanovoy, 2014: 141.

2. See: Talmon, 2008: 218 & D'Asperamont, 2007: 98.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۵

مزبور باید برای تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه صورت پذیرد و واقعاً در تسهیل ارتکاب این عمل مؤثر باشد.^۱ البته کمیسیون حقوق بین‌الملل آستانه بالایی را برای این اثرگذاری در نظر نگرفته است و چنانچه در شرح و تفسیر صورت گرفته از ماده پیش‌گفته اظهار می‌دارد، همین که کمک یا مساعدت در انجام عمل متخلفانه بین‌المللی نقش عمده داشته باشد کافی است و نیازی نیست که حتماً دارای نقش اساسی در ارتکاب آن عمل باشد. شرط آخر به لزوم التزام دولت کمک کننده یا مساعدت‌دهنده به تعهد مربوط باز می‌گردد. بدین معنا که اگر عمل متخلفانه بین‌المللی ارتكابی از سوی خود دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده هم صورت می‌گرفت، نقض تعهد بین‌المللی آن به‌شمار می‌رفت. به حکم منطق، دولت، ملتزم به تعهدی که دولت دیگر در قبال دولت‌های ثالث دارد، نیست.

اگرچه ممکن است عناوین متعددی برای یک مقرره واحد استفاده شود اما آنچه که اهمیت دارد محتوای آن است؛ به‌طور مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌زدایی» به «شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی» استناد کرد و سخنی از کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نشد.^۲

با این همه، دیوان اذعان داشت که هیچ دلیل عقلی وجود ندارد تا به لحاظ ماهوی میان مفهوم «شرکت در نسل‌زدایی» مندرج در بند «ر» ماده ۳ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی و حالت «کمک یا مساعدت» در ارتکاب نسل‌زدایی به آن‌گونه که در ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت آمده است، قابل به تمایز شد. با توجه به آنچه که این دادگاه جهانی در خلال رسیدگی به قضیه بوسنی و هرزه‌گوین علیه صربستان و مونتنگرو به آن دست یافت، در چنین حالتی ماده ۱۶ قابلیت اعمال دارد. در واقع، این امر به جهت احتراز از دستاویزی به نام خلأ قانونی صورت گرفت. همان‌طور که عقل حکم می‌کند اگر دو قاعده با عنوان مشابه، محتوایی یکسان نداشته باشند، قطعاً نمی‌توان آن دو را یکسان قلمداد کرد و در مقابل اگر دو مقرره با دو عنوان متفاوت باشند ولی محتوایی نظیر یکدیگر داشته باشند نمی‌توان آن‌ها را متفاوت دانست. دیوان بین‌المللی در قضیه پیش‌گفته،

1. See: ARSIWA, 2001: 66.

2. See: ICJ, 2007: 217/ para. 419.

تصمیم به اعمال ماده ۱۶ گرفت.^۱ گفتنی است که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۰۱۵ خود راجع به اجرای کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی (کرواسی علیه صربستان) که از خیلی جهات مشابه رأی ۲۰۰۷ همین مرجع قضایی راجع به نسل‌زدایی است هم با این موضوع مواجه بود؛ منتها با توجه به اینکه نزدیک به دو دهه از مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌گذرد و تقریباً مورد پذیرش ضمنی قرار گرفته است؛ و نیز با توجه به دستاورد دیوان در رأی ۲۰۰۷، این رأی چراغ راه مرجع مطروح قرار گرفته است و تردیدی وجود ندارد که ماده ۱۶ در خصوص شرکت در جرم قابلیت اعمال دارد. دیوان در قضیه گفته‌شده اعلام داشت که «همکاری همواره مستلزم آن است که برخی اقدامات مثبت برای ارائه کمک یا مساعدت ... صورت گرفته باشد ... همکاری از فعل ناشی می‌شود.» (Crawford, 2013: 405; ICJ, 2007: 179 & 180)

درحالی‌که هیچ تفاوتی میان فعل و ترک فعل نیست و اساس تخلف بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت در این مجموعه بر فعل و ترک فعل بنا شده است^۲ و فعل و ترک فعل هر یک به‌تنهایی می‌توانند بستر مسئولیت را فراهم آورند.^۳ گفتنی است دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در دعوی‌النشیری علیه لهستان به این ماده استناد کرده است.^۴

۱-۲- کمک یا مساعدت دولت به سازمان بین‌المللی

ماده ۵۸ از مجموعه مواد ۲۰۱۱ در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به مسئولیت دولت در قبال کمک یا مساعدت سازمان بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌پردازد. منظور این ماده تنها متوجه دولت عضو سازمان کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده در ارتکاب عمل متخلفانه نیست، بلکه «دولت» مذکور در این ماده می‌تواند «دولت غیرعضو سازمان» هم باشد. مدت عضویت دولت در سازمان بین‌المللی هیچ تأثیری بر کم و کیف کاربست این ماده ندارد. وفق

1. See: ICJ, 2007: 17/ para. 419.

2. See: ARSIWA, 2001: 35.

3. See: Graefrath, 1996: 324 & Aust, 2011: 227.

4. See: ECHR, 2014: para. 207 & A/71/80, 2016: 24.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۷

حالت ترسیمی در ماده ۵۸، دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده می‌تواند دولت عضو یا غیرعضو سازمان باشد. اگر دولت عضو باشد و عمل آن مطابق با قواعد سازمانی باشد که به عضویت آن درآمده است مسئولیت آن دولت از بابت کمک یا مساعدت را به‌دنبال نخواهد داشت.^۱

۱-۳- کمک یا مساعدت سازمان به دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر

ماده ۵۸ به مسئولیت دولت در قبال کمک یا مساعدت سازمان بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی اختصاص دارد؛ حال آنکه ماده ۱۴ از همین مواد، کمک یا مساعدت سازمان بین‌المللی به سازمان بین‌المللی دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی را تبیین می‌کند. کمیسیون در عبارت‌پردازی هر دو ماده ۱۴ و ۵۸ طرح ۲۰۱۱ از ادبیات به‌کاررفته در ماده ۱۶ طرح ۲۰۰۱ بهره برده و از شاکله آن وام گرفته است؛ نیز انجمن حقوق بین‌الملل بدون اینکه اشاره‌ای بدان داشته باشد اظهار می‌دارد که، زمانی که یک سازمان بین‌المللی، دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، سازمان بین‌المللی کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده به‌لحاظ بین‌المللی مسئولیت خواهد داشت.^۲

با توجه به اینکه از یک سو رویه کمی در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ناشی از کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی وجود دارد و از سوی دیگر به نظر نمی‌رسد که ماهیت و ویژگی شخصیت حقوقی بین‌المللی در مشمول شدن این حالت از مسئولیت اشتقاقی تأثیری داشته باشد، کمیسیون حقوق بین‌الملل تنها با تغییرات بسیار جزئی در ماده ۱۶ که به فراخور گستره سازمان بین‌المللی است، ماده ۱۴ را در طرح ۲۰۱۱ آورده است و بیشتر توضیحات صورت گرفته در خصوص مسئولیت دولت از بابت کمک یا مساعدت را می‌توان در مورد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم به‌کار گرفت.

۱-۴- پیامد مستقیم احراز چندگانه مسئولیت در رابطه با کمک یا مساعدت

دولت یا سازمان بین‌المللی ارائه‌کننده کمک یا مساعدت تنها تا اندازه‌ای که رفتارش موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول دانسته می‌شود. به همین

1. See: ARIO, 2011: 158.

2. See: ILA, 2004: 200-201.

خاطر در مواردی که عمل متخلفانه بین‌المللی واقع می‌شود، مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده شامل جبران خسارت خود عمل نمی‌شود؛^۱

به تعبیری، ارائه‌کننده کمک یا مساعدت، تنها مسئول رفتار خود است. وفق دو آورده‌نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی از بابت کمک یا مساعدت، مسئولیت اصلی برعهده آن دولت یا سازمان بین‌المللی است که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است. در این وضعیت، دولت کمک‌کننده صرفاً نقش حمایتی دارد. مقرره‌های مربوط به کمک یا مساعدت ضرورتاً متضمن کنترل دولت یا سازمان بین‌المللی کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده بر مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی نیستند. مصداق کمک یا مساعدت، هر آنچه که باشد، متمایز از کنترل است؛^۲ همچنین اگر ارگان ذیربط دولت مباشر صرفاً «در اختیار» دولت متقاضی قرار گیرد، در مفهوم ماده ۶ طرح ۲۰۰۱ تنها دولت متقاضی، مسئول عمل مورد بحث خواهد بود.^۳

۲- هدایت و کنترل در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

هدایت و کنترل در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، به عنوان دومین قسم از مسئولیت بین‌المللی در ارتباط با عمل دیگری است.

۲-۱- هدایت و کنترل اعمال دولت از سوی دولت دیگر

دیگر حالت حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی دولت به آن‌گونه که طرح ۲۰۰۱ کمیسیون بیان داشته است، اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است. ماده ۱۷ از این مجموعه مواد بدین امر پرداخته است. به موجب این ماده تنها در صورتی می‌توان دولت را مسئول دانست که از شرایط ایجاد رفتار متخلفانه دولت مباشر آن آگاهی داشته باشد؛ دیگر اینکه اگر عمل ارتكابی را خودش انجام می‌داد باز هم عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شد. منظور از «کنترل» این است که به وضعیت‌های تسلط و برتری یک یا چند دولت بر ارتکاب رفتار متخلفانه

1. See: ARSIWA, 2001: 66.

2. See: Fry, 2014: 116-117.

3. See: ARSIWA, 2001: 64.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۹

از سوی دولت یا دولت‌های دیگر اشاره داشته باشد. البته نباید این برتری و تسلط مستتر در مفهوم «هدایت» را به‌منزله برتری کامل تلقی کرد. این ماده تنها ناظر بر وضعیت‌هایی است که در آن‌ها دولت مسلط، هدایت و کنترل عملی بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت وابسته را اعمال می‌کند و در واقع استفاده از واژه «کنترل» حکایت از تسلط بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دارد و صرف نظارت، اثرگذاری و نقش داشتن به‌منزله «کنترل» مندرج در این ماده نیست. «هدایت» باید واقعی و بالفعل باشد.^۱ صرف تأثیر گذاشتن یا مربوط بودن عمل دولت در ارتکاب عمل متخلفانه از سوی دولت دیگر را نمی‌توان هدایت و کنترل مذکور در این ماده قلمداد کرد.

۲-۲- هدایت و کنترل اعمال سازمان بین‌المللی از سوی دولت

ماده ۵۹ از طرح ۲۰۱۱ به اعمال هدایت و کنترل دولت بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط سازمان بین‌المللی می‌پردازد. «دولت» مذکور در این ماده می‌تواند شامل دولت عضو یا غیرعضو سازمان شود. در این حالت هم - نظیر کمک یا مساعدت مذکور در ماده ۵۸- باید میان مشارکت یک دولت در فرایند تصمیم‌گیری طبق قواعد ذی‌ربط و کنترل و هدایتی که مشمول مندرجات این ماده می‌شوند، قایل به تفکیک شد.^۲ ماده ۱۵ از همین طرح به حالتی می‌پردازد که سازمان بین‌المللی، یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی هدایت یا کنترل کند. ماده ۵۹ به بررسی وضعیتی می‌پردازد که در آن کنترل و هدایت توسط دولت صورت می‌پذیرد. در عبارت‌پردازی این ماده هم از ماده ۱۷ طرح ۲۰۰۱ بهره گرفته شده است.

۲-۳- هدایت و کنترل اعمال دولت یا سازمان بین‌المللی از سوی سازمان بین‌المللی دیگر

طرح ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در ماده ۱۵ خود همسو با ماده ۱۷ طرح ۲۰۰۱ گام برداشته است. در وضعیتی که دولت یا سازمان بین‌المللی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شود اما ارتکاب آن، تحت هدایت و کنترل سازمان بین‌المللی دیگر باشد، این امکان وجود دارد که

1. See: ARSIWA, 2001: 68.

2. See: ARIO, 2001: 159 & 160.

بتوان آن سازمان بین‌المللی که نقش اعمال‌کننده هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی داشته است را مسئول دانست.

ماده ۱۵ با در نظر داشتن عنصر ذهنی بر آن شده است تا علم به اوضاع و احوال ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی را در این‌باره تبیین کند؛ و دومین بند از این ماده اظهار می‌دارد که این ارتکاب باید به گونه‌ای صورت پذیرد که اگر از سوی خود سازمان بین‌المللی اعمال‌کننده هدایت و کنترل انجام می‌شد، عمل متخلفانه بین‌المللی این سازمان به حساب می‌آمد. شرایط مذکور در این ماده شبیه آن چیزی است که قبلاً در خصوص ماده ۱۷ از طرح ۲۰۰۱ بیان شد. اگرچه نحوه عبارت‌پردازی ماده ۱۵ از طرح پیش‌گفته شباهت بسیاری به ماده ۱۷ در طرح مسئولیت دولت‌ها دارد، اما هرگز نباید از خاطر برد که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اقتضانات خاص خود را دارند و نمی‌شود هر آنچه در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مفید افتاده است را عیناً در مورد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم به‌جا دانست.^۱

در خصوص این وضعیت در گستره سازمان‌های بین‌المللی این امکان وجود دارد که سازمان بین‌المللی برخوردار از اختیار گرفتن تصمیم الزام‌آور با اتخاذ چنین تصمیمی بتواند آن دسته از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی که به عضویت آن درآمده‌اند را تحت هدایت و کنترل درآورد. اگر تصمیم الزام‌آور، نوعی «هدایت و کنترل» مندرج در ماده ۱۵ طرح ۲۰۱۱ به حساب آید، آن‌گاه میان آنچه در این ماده آمده و آنچه که ماده ۱۷ از مجموعه مواد ۲۰۱۱، درصد بیان آن است نوعی هم‌پوشانی پیش خواهد آمد: ماده ۱۷ که با پرداختن به «گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق تصمیم و دادن مجوز به اعضا» مأمور بیان چهارمین حالت داخل در مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی مندرج در طرح ۲۰۱۱ شده است، شامل مواردی می‌شود که در آن‌ها پیروی از تصمیم‌های الزام‌آور سازمان از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر، ارتکاب تخلف بین‌المللی از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی عضو را به‌دنبال دارد. لذا در وضعیتی که پیروی دولت یا سازمان بین‌المللی عضو سازمان بین‌المللی از تصمیم الزام‌آور سازمان بین‌المللی مادر، ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت یا سازمان عضو را در پی داشته باشد، احتمال پیش

1. See: ARIIO, 2011: 105.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۱۱

آمدن هم‌پوشانی میان ماده‌های ۱۵ و ۱۷ مجموعه مواد ۲۰۱۱ وجود دارد. هم‌پوشانی احتمالی از این دست، به مثابه منسجم نبودن مواد نیست؛ زیرا هر دو ماده به مسئولیت سازمان بین‌المللی که تصمیم‌الزام‌آور برای دولت‌ها و سازمان‌های عضو خود می‌گیرد اشاره دارند.^۱

۲-۴- پیامد مستقیم احراز چندگانه مسئولیت در رابطه با هدایت و کنترل

دولت یا سازمان بین‌المللی اعمال‌کننده هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به آن‌گونه که طرح ۲۰۰۱ در ماده ۱۷ و طرح ۲۰۱۱ در ماده ۱۵ خود مقرر داشته‌اند مسئول کل تخلف بین‌المللی صورت گرفته از سوی مباشر آن عمل هستند؛ زیرا در چنین حالتی اعمال‌کننده هدایت و کنترل، کل عمل متخلفانه بین‌المللی مطروح را تحت هدایت و کنترل خود داشته است؛ اما در اینکه دولت یا سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل مسئول کل عمل ارتكابی باشد اختلاف وجود دارد. برونو سیما از جمله حقوق‌دانان برجسته‌ای است که به نظر وی، دولت یا سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل مسئول کل عمل ارتكابی قلمداد نمی‌شوند.

با این همه، نظر دیگری وجود دارد که دولت یا سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل هم مسئول کل عمل ارتكابی دانسته می‌شوند. نظر دوم به نتیجه‌ای می‌انجامد که در برخی از حقوق داخلی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، از آن به مسئولیت تضامنی یاد می‌شود.^۲ اما حتا قائلین به نظر دوم هم در به‌کارگیری عبارت مسئولیت تضامنی احتیاط می‌کنند؛ چراکه تضامنی بودن مسئولیت در حقوق داخلی کشورها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. اما با توجه به آنکه این عبارت در حقوق داخلی ایران، بسیار آشنا و شناخته شده است، این مشکل در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل وجود ندارد. به باور نگارندگان، نظر دوم که در سر صف قائلین به آن، اعضای تیم مسئولیت اشتراکی از جمله اندره نولکمپر هستند صائب‌تر است؛^۳ چراکه با احراز

1. See: ARIQ, 2011: 105 & 106.

۲. گفتنی است که مسئولیت تضامنی در اینجا، برگردان "Joint Responsibility" است و ناظر بر وضعیتی است که تسهیم یا توزیع مسئولیت "Contribution of Responsibility" مطرح باشد؛ یعنی مسئولیت صرفاً متوجه یک شخص خاص نباشد و دو یا بیش از دو شخص مسئولیت داشته باشند. به طور مثال بنگرید به:

<http://www.sharesproject.nl/joint-responsibility-in-international-law-revisiting-the-oil-platforms-case-a-comment-on-bruno-simmas-shares-lecture/>.

3. Available at: <http://www.sharesproject.nl/news/iceland-minister-calls-for-joint-responsibility-of-coastal-states-for-ensuring-sustainable-fishery/>

مسئولیت اصل بر تعهد به جبران خسارت است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود؛ دیگر آنکه تسلط مطروح در وضعیت هدایت و کنترل به اندازه‌ای نیست که بشود سخن از تسلیم بودن دولت یا سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل به میان آورد و بالمآل آن را مسئول کل عمل ارتكابی ندانست، چه اگر این تسلط به آن اندازه برسد که دولت یا سازمان بین‌المللی تحت هدایت و کنترل هیچ‌راه دیگری مگر تسلیم نداشته باشد، دیگر وضعیت هدایت و کنترل بدان‌گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ آمده است دانسته نمی‌شود و وضعیت اجبار خواهد بود؛ چراکه تفاوت اصلی هدایت و کنترل با اجبار در آستانه تسلط است. در واقع، همین آستانه پایین تسلط در هدایت و کنترل است که موجب تمایز آن از وضعیت اجبار می‌شود و گرنه هر دو باید ذیل یک مقرر می‌آمدند و اگر آستانه هر دو آن اندازه بالا قرار گیرد که دولت یا سازمان بین‌المللی مسئول کل عمل ارتكابی نباشد، دیگر جدا بودن دو وضعیت اجبار و هدایت و کنترل منطقی نمی‌نماید. بنابراین به‌رغم نظرات مخالف، منطقی می‌نماید که در چنین حالتی بتوان سخن از مسئولیت تضامنی به میان آورد.

۳- اجبار

سومین قسم از مسئولیت بین‌المللی در ارتباط با عمل دیگری، اجبار است. البته این احصاء صرفاً در باب تبیین است و ترتیب یا اولویت منطقی میان آن‌ها وجود ندارد.

۳-۱- اجبار دولت از سوی دولت دیگر

کمیسیون تنها در صورتی دولت را تحت اجبار قلمداد می‌کند که دولت مزبور هیچ‌راه دیگری مگر تسلیم شدن در برابر «اجبار» نداشته باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت تحت اجبار را دولتی دانسته است که اهلیت گرفتن تصمیم از او سلب شده باشد.^۱ اجبار باید به اندازه‌ای باشد که بر اراده دولت مجبور اثر بگذارد و آن دولت هیچ‌راهی به جز تسلیم شدن در برابر خواسته دولت اجبارکننده نداشته باشد. برای اینکه بتوان دولت را ناچار به تن در دادن به خواسته اجبارکننده دانست، صرف اینکه اجرای تعهد مشکل‌تر شود به هیچ‌وجه کافی نیست. دولت

1. See: ILC Ybook, 1979: 102.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۱۳

اجبارکننده عملی را از دولت تحت اجبار می‌خواهد که آن عمل، تخلف بین‌المللی قلمداد می‌شود. اگر ادعا شود که دولتی با خواست خود دولت مورد تقاضا را در انجام تعهدات خود به‌سختی انداخته است، هرگز نمی‌توان دولتی که چنین درخواستی کرده است را دولت اجبارکننده و دولت مورد درخواست را دولت تحت اجبار خواند. اجبار مذکور در ماده ۱۸، همان ویژگی اساسی قوه قاهره که در ماده ۲۳ از هر دو پیش‌نویس ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ آمده است را دارد.

با اندکی تأمل در ادبیاتی که طرح ۲۰۰۱ برای تقریر ماده ۱۸ به‌کار بسته است و مقایسه آن با عبارت‌پردازی دو ماده ۱۶ و ۱۷ می‌توان دریافت که در عبارت آغازین ماده مربوط به «اجبار» از وصف «متخلفانه بین‌المللی» استفاده نشده است؛ حال آنکه وصف مطروح در عبارت آغازین هر دو ماده پیشین آمده است. این تفاوت از آن جهت است که اجبار صورت گرفته وفق ماده ۱۸، قوه قاهره را به‌دنبال دارد و مطابق با ماده ۲۳، قوه قاهره از عوامل رافع وصف متخلفانه بین‌المللی عمل قلمداد می‌شود. دیگر تفاوتی که میان ماده ۱۸ و دو ماده پیش از آن خودنمایی می‌کند آن است که هیچ شرطی در خصوص لزوم التزام دولت اجبارکننده به تعهد مربوط وجود ندارد. وفق آنچه در ماده ۱۸ آمده است، صرف اینکه عمل متخلفانه بین‌المللی ارتكابی دولت تحت اجبار تلقی شود کفایت می‌کند و دیگر مقرره‌ای ندارد که حاکی از آن باشد که اگر فعل مزبور توسط خود دولت اجبارکننده هم ارتكاب می‌یافت عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد. درحالی‌که چنین مقرره‌ای در هر دو ماده ۱۶ و ۱۷ که ذیل همین بخش از طرح ۲۰۰۱ قرار گرفته‌اند آورده شده است. کمیسیون هوشمندان از آوردن چنین مقرره‌ای در ماده ۱۸ پرهیز کرده است. به نظر می‌رسد یکی از علل آن توسعه مسئولیت دولت اجبارکننده بوده باشد؛ ازاین‌رو برخلاف آنچه که در دو ماده ۱۶ و ۱۷ آمده است، به‌موجب مفاد ماده ۱۸ صرف‌نظر از التزام یا عدم التزام دولت اجبارکننده به تعهد مورد بحث، این دولت مسئول کل عمل ارتكابی از سوی دولت تحت اجبار است.

۲-۳- اجبار سازمان بین‌المللی از سوی دولت

ماده ۶۰ مجموعه مواد ۲۰۱۱، نظیر ضوابط مندرج در ماده ۱۸ طرح ۲۰۰۱ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است. «دولت» مذکور در این ماده تنها متوجه دولت عضو سازمان مربوط

نیست، بلکه می‌تواند دولت غیرعضو آن سازمان را هم شامل شود. شایسته توجه است که برخلاف دو ماده پیشین از همین بخش، دیگر سخن از بند دوم به این شرح رانده نمی‌شود: «عمل دولت عضو سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام می‌شود به موجب مفاد پیش‌نویس این ماده باعث تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌شود»، درحالی‌که عین این عبارت در بند دوم هر دو ماده ۵۸ و ۵۹ آمده است. علت این امر آن است که احتمال مطابقت اجبار صورت گرفته توسط دولت‌های عضو سازمان با قواعد آن سازمان بسیار اندک است. با این همه نمی‌توان به‌طور کلی فرض بر غیرقانونی بودن اجبار گذاشت. لذا این امکان متصور است که چنین «اجباری» از راه‌های قانونی همچون فشار اقتصادی شدید باشد.^۱

وضعیت اجبار کاملاً متمایز از حالت هدایت و کنترل است چرا که در حالت اجبار، تسلط دولت اجبارکننده به اندازه‌ای است که طرف مقابل، هیچ راهی مگر تسلیم ندارد حال آن که این میزان از تسلط در وضعیت هدایت و کنترل وجود ندارد. در واقع، تفاوت بنیادین آن‌ها در آستانه تسلط اعمال شده است.

۳-۳- اجبار دولت یا سازمان بین‌المللی از سوی سازمان بین‌المللی دیگر

هر اجباری تاب مسئول کردن اجبارکننده را ندارد؛ در خصوص آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی که از اختیار اتخاذ تصمیم الزام‌آور برای اعضای خود برخوردارند باید گفت که صرف چنین تصمیمی را نمی‌توان به‌مثابه اجبار دانست. چنانچه در قسمت مربوط به هدایت و کنترل آمد، تصمیم الزام‌آور سازمان بین‌المللی می‌تواند هدایت و کنترل مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد شود؛ نیز در مطالعه چهارمین وضعیت مسئولیت اشتقاقی در حقوق مسئولیت بین‌المللی گفته خواهد شد که برخی از تصمیم‌های الزام‌آور سازمان بین‌المللی می‌تواند گریز از تعهدات بین‌المللی قلمداد شود. از این‌رو توجه به شرایطی که در آن تصمیم الزام‌آور گرفته می‌شود بسیار مهم است. آن دسته از تصمیم‌های الزام‌آور سازمان بین‌المللی که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی عضو آن را به دنبال می‌آورد با توجه به دیگر شرایط موجود در هر مورد می‌تواند، هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل

1. See: ARIQ, 2011: 160-161.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۱۵

متخلفانه بین‌المللی، اجبار دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر یا گریز از تعهدات بین‌المللی را در پی داشته باشد. تصمیم‌های الزام‌آور سازمان تنها تحت شرایط استثنایی موجب تحقق اجبار می‌شوند. این امکان وجود دارد که با اتخاذ تصمیم الزام‌آور از سوی سازمان بین‌المللی، میان ماده‌های ۱۶ و ۱۷ (گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق گرفتن تصمیم و...) از این مجموعه نوعی هم‌پوشانی پیش‌آید، اما این را نباید به‌مثابه منسجم نبودن آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل قلمداد کرد؛ چراکه چنانچه در باب مقوله گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق گرفتن تصمیم می‌آید با توجه به مندرجات ماده ۱۷ به‌خصوص عدم لزوم متخلفانه بودن عمل برای دولت‌ها یا سازمان‌های عضو، این رابطه هم‌پوشانی بسیار جزئی است و در صورت پیش‌آمدن هم‌پوشانی میان دو ماده ۱۶ و ۱۷، سازمان را می‌توان یا طبق ماده ۱۶ مسئول دانست یا با تکیه بر ماده ۱۷ مسئولیت را احراز کرد.^۱

۳-۴- پیامد مستقیم احراز چندگانه مسئولیت در رابطه با اجبار

در این حالت برخلاف دو حالت قبل، این امکان وجود دارد که دولت یا سازمان بین‌المللی تحت اجبار، اختیار و توانایی خود را به‌طور کامل از دست داده باشد و به بیانی بهتر در انجام عمل متخلفانه بین‌المللی، ناچار به زانو زدن در برابر اعمال‌کننده اجبار بوده باشد. همین امر سبب می‌شود تا این امکان وجود داشته باشد که هیچ مسئولیتی بر دولت یا سازمان بین‌المللی تحت اجبار بار نشود و در عوض، طرف اجبارکننده مسئول کل عمل ارتكابی از سوی طرف دیگر قلمداد شود؛^۲ چراکه در چنین حالتی فرض بر آن گرفته می‌شود که اگر اجبار صورت نمی‌گرفت عمل متخلفانه‌ای هم صورت نمی‌گرفت. در چنین وضعیتی دولت یا سازمان بین‌المللی اجبارکننده مسئولیت کل عمل ارتكابی از سوی مجبور را باید به دوش بکشد. در این قبیل موارد اگر به بهانه‌ای نظیر عدم التزام اجبارکننده به تعهد مورد بحث، اجبارکننده بتواند از زیر بار مسئولیت نقض ارتكابی از سوی مجبور بگریزد، آن‌گاه با توجه به امکان استناد مجبور به قوه قاهره، راهی برای جبران از زیان‌دیده ثالث باقی نمی‌ماند؛ از این رو به‌درستی گفته شده است که در چنین وضعیتی تمام بار مسئولیت بر شانه‌های اجبارکننده خواهد بود.

1. See: ARIIO, 2011: 107.

2. See: Fry, 2007: 629.

۴- گریز از تعهد بین‌المللی

روابطی که میان یک سازمان و اعضای آن وجود دارد این بستر را میسر می‌سازد که سازمان بین‌المللی بتواند به‌گونه‌ای در عملکرد اعضایش نقش داشته باشد. چنانچه نماینده اتریش در مباحث طرح شده در کمیته ششم سازمان ملل متحد اظهار داشت: «نباید این امکان برای سازمان‌های بین‌المللی فراهم شود که بتوانند پشت عاملان خود از مسئولیت شانه خالی کنند.» (United Nation's General Assembly Resolution, 2004: 5) افزون بر این باید شاکله مسئولیت بین‌المللی به‌گونه‌ای تنظیم شود که دولت عضو سازمان نتواند از بار تعهدات خود شانه خالی کند.^۱

۴-۱- گریز دولت از تعهد بین‌المللی

دولتی که طبق ماده ۶۱ در ارتباط با رفتار سازمان مسئول دانسته می‌شود لزوماً عضو آن سازمان است.^۲ آنچه که در این ماده آمده است، شباهت بسیاری با حالت‌های مندرج در ماده ۱۷ همین طرح در خصوص «گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضا» دارد.^۳ وفق ماده ۱۷ در صورتی می‌توان سازمان بین‌المللی را مسئول دانست که با گرفتن تصمیم الزام‌آور دولت‌ها یا سازمان‌هایی که به عضویت آن درآمده‌اند را ملزم به ارتکاب عملی کند که اگر از سوی آن دولت انجام می‌شد عمل متخلفانه بین‌المللی به حساب می‌آمد؛^۴ چنانچه کمیسیون در شرح و تفسیر ماده ۱۷ آورده و شرح و تفسیر ماده ۶۱ هم به آن اشاره داشته است، قصد عدم اجرای تعهد در عبارت «گریز» مستتر است. بنابراین در صورتی که دولت قصد عدم اجرای تعهد نداشته باشد نمی‌توان سازمان بین‌المللی مربوط را به موجب این مقرر مسئول دانست.

وجود سه شرط برای اعمال ماده ۶۱ لازم است: شرط نخست اینکه سازمان باید در زمینه موضوع تعهدات بین‌المللی یک دولت اختیار داشته باشد. برخوردارگی از چنین اختیاری می‌تواند از راه‌های گوناگونی صورت پذیرد؛ به‌طور مثال فرضی متصور است که دولت‌ها وظایف خود را

1. See: Fry, 2014: 124.

2. See: Paasivirta, 2010: 51.

3. See: ARIO, 2011: 158.

4. See: D'Aspremont, 2008: 115.

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۱۷

به یک سازمان یک‌پارچه تفویض کنند. البته این فرض تنها یک احتمال است و نباید آن را تنها فرض محتمل دانست. آنچه که برای اعمال این ماده اهمیت دارد این است که تعهد بین‌المللی در زمینه اهلیت داده شده به سازمان باشد؛ شرط دوم اینکه بین رفتار دولتی که از تعهد شانه خالی می‌کند و سازمان مربوط، ارتباط قابل توجهی وجود داشته باشد؛ و سومین شرط هم به این قرار است که اگر سازمان عملی را انجام دهد که اگر خود آن دولت هم آن را انجام می‌داد، باز هم نقض تعهد محسوب می‌شد.

حال با توجه به شرایط گفته شده این فرض قابل تصور است که مواد ۵۸، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ هم‌پوشانی داشته باشند؛ با این توضیح که اگر عمل سازمان تخلف بین‌المللی باشد و سبب آن هم یکی از دولت‌های عضو آن سازمان باشند احتمال پیش آمدن هم‌پوشانی میان این چهار ماده دور از ذهن نخواهد بود. با این همه این هم‌پوشانی احتمالی هرگز مشکلی را به بار نخواهد آورد؛ چراکه تنها مبین آن است که شاکله ترسیمی برای مسئولیت دولت در چنین وضعیتی از چند مبنای ثبوتی برخوردار است.

۴-۲- گریز سازمان بین‌المللی: گرفتن تصمیم

بند نخست ماده ۱۷ از طرح ۲۰۱۱ به این حالت پرداخته است.^۱ اگر سازمان بین‌المللی از اختیار گرفتن تصمیمات الزام‌آور برای دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی عضو خود برخوردار باشد و با چنین تصمیمی موجب شود که دولت یا سازمان بین‌المللی عضو، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شود که ناقض تعهدات سازمان باشد، مسئولیت سازمان بین‌المللی تصمیم‌گیرنده را به دنبال دارد.^۲

در همین راستا، نماینده دانمارک در کمیته ششم اظهار داشت که در وضعیتی که دولت عضو توان زیادی برای مانور ندارد غیرمنطقی است که تمام بار مسئولیت را تنها بر عهده آن دولت دانست.^۳

منظور وی که به نمایندگی از پنج کشور نوردیک تبار به بیان ایستاد این بود که اگر دولت‌های عضو به موجب تعهدی که در قبال تصمیم سازمان بین‌المللی دارند ملزم به پیروی از تصمیم آن نهاد باشند و این پیروی موجب تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی شود، دیگر منطقی نیست که تنها دولت

1. See: ARIO, 2011: 107.

2. See: Blokker, 2010: 39.

3. See: GA Res. A/C.6/59/SR.22, 2004: para. 66.

پیروی‌کننده از تصمیم سازمان را مسئول خواند و سازمان را با این توجیه از مسئولیت مصون دانست. بند نخست از ماده ۱۷ طرح ۲۰۰۱ ارتکاب تخلف از سوی دولت‌ها یا سازمان‌های عضو سازمان بین‌المللی صادرکننده تصمیم الزام‌آور را پیش شرط تحقق مسئولیت سازمان نمی‌داند؛ زیرا طبق قواعد عام حقوق سازمان‌های بین‌المللی، در صورتی که سازمان بین‌المللی، تصمیم الزام‌آور بگیرد، اصولاً از دولت‌ها یا سازمان‌های عضو این تصمیم انتظار پیروی می‌رود، درحالی‌که پیروی مخاطبان چنین تصمیمی می‌تواند به زیان ثالث بینجامد؛ لذا صرف صدور چنین تصمیمی، موجب بار شدن مسئولیت بر سازمان گیرنده تصمیم می‌شود.^۱ بدین ترتیب حتا قبل از وقوع تخلف، ثالث می‌تواند سخن از مسئولیت ببرد. برای احقاق حقوق ثالث زیان‌دیده مقتضی است که سازمان را به جهت گرفتن چنین تصمیمی که منجر به زیان ثالث شده است مسئول خواند.^۲

۴-۳- گریز سازمان بین‌المللی: دادن مجوز

چنانچه سازمان بین‌المللی، دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی عضو خود را مجاز به مبادرت به اقدامی نماید که با ارتکاب عمل متخلفانه‌ای همراه شود، به‌گونه‌ای که اگر توسط خود سازمان ارتکاب می‌یافت تخلف بین‌المللی آن تلقی می‌شد، می‌توان سازمان مادر را مسئول دانست. عنوان عمل در ماهیت آن هیچ تأثیری ندارد. در همین راستا عنوان عملی که از سوی سازمان صورت می‌گیرد باید براساس قواعد داخلی آن سازمان تعریف شود و واژه تجویز در آن هیچ اثری ندارد.^۳

محتوا و ماهیت عمل سازمان اهمیت دارد. لذا اگر سازمان مرتکب عملی شود که ویژگی تجویز مندرج در این بند را داشته باشد صرف‌نظر از هر عنوانی، این مقرر به نسبت بدان قابلیت اعمال دارد. نکته ظریف اینجاست که حتا اگر عمل مذکور تخلف دولت یا سازمان مباشر آن به حساب نیاید، مانع از مسئول دانستن سازمان مادر نیست. بند نخست به وضعیتی می‌پرداخت که در آن، سازمان با تصمیم خود موجب ارتکاب عمل متخلفانه از سوی دولت‌ها یا سازمان‌های عضو خود می‌شد. بند دوم فرضی را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد که در آن سازمان با دادن مجوز به

1. See: ARIO, 2011: 109/ para 7.

2. See: A/64/10, 2009: 85-87.

3. See: ARIO, 2011: Art. 17(2).

دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی... / حدادی و دیگران ۱۹

دولت‌ها یا سازمان‌های عضو خود بستر ارتکاب عمل متخلفانه را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که اگر خودش آن عمل را انجام می‌داد عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شد.

ماده ۱۷(ب) ناظر بر وضعیتی است که سازمان بین‌المللی با دادن مجوز انجام اعمال خاصی به دولت‌ها یا سازمان‌های عضو، از تعهد بین‌المللی خود طفره برود.^۱ تجویز عمل توسط سازمان به معنای مخیر بودن اعضا در انجام یا عدم انجام آن است. حال آنکه «صدور تصمیم» مذکور در بند نخست متوجه تصمیمی از دسته الزام‌آورها است. در واقع بند دوم ماده ۱۷ ناظر بر توصیه سازمان به ارتکاب عمل متخلفانه است.^۲ اگرچه سازمان بین‌المللی می‌تواند تصمیم الزام‌آور بگیرد اما نباید از خاطر بُرد که اعضای سازمان این اختیار را به آن داده‌اند.^۳ برای تمیز الزام‌آور بودن یا نبودن تصمیم سازمان باید به اختیارات همان سازمان توجه داشت. لذا «دادن مجوز» مذکور در بند ۲ از ماده ۱۷ طرح ۲۰۱۱ هم ناظر بر گرفتن تصمیم از سوی سازمان بین‌المللی مادر است؛ منتها تصمیمی که الزام‌آور نیست.^۴

کنکاش در شرایط اعمال مواد ۱۵ و ۱۶ از یک سو و ماده ۱۷ طرح ۲۰۱۱ مواد از سوی دیگر، می‌توان دانست که فرض پیش‌آمدن هم‌پوشانی میان ماده ۱۷ با هر دو ماده ۱۵ و ۱۶ متصور است: دو ماده ۱۵ و ۱۷ ناظر بر مسئولیت سازمان بین‌المللی در خصوص تصمیم‌های الزام‌آوری هستند که آن سازمان می‌گیرد. ماده ۱۵ چنین تصمیم‌هایی را اعمال هدایت و کنترل از سوی سازمان بین‌المللی مادر می‌خواند و ماده ۱۷ آن‌ها را تحت «گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضا» تبیین می‌کند. ماده‌های ۱۵ و ۱۷ دایره بر مسئولیت آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی هستند که تصمیم الزام‌آور برای دولت‌ها و سازمان‌های عضو خود می‌گیرند و صرف هم‌پوشانی را نمی‌توان ناصواب دانست؛ زیرا می‌تواند ناشی از بررسی وجوه مختلف عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی حقوق مسئولیت بین‌المللی باشد. بدین ترتیب، ادعاهای احتمالی در خصوص پیش‌آمدن هم‌پوشانی میان دو ماده ۱۵ و ۱۷ روا نیست.

در خصوص فرض پیش‌آمدن هم‌پوشانی مواد ۱۶ و ۱۷ نیز باید گفت که اگر تصمیم الزام‌آور سازمان شرایط «اجبار» در ماده ۱۶ را داشته باشد، ممکن است که با اتخاذ تصمیم الزام‌آور از

1. See: ARIO, 2011: 109/ para.7

2. See: Fry, 2014: 124

۳. نك: زمانی، ۱۳۹۳: ۴۸ و ۴۹.

4. See: ARIO, 2011: 110/ para.12

سوی سازمان بین‌المللی، میان ماده‌های ۱۶ و ۱۷ از این مجموعه نوعی هم‌پوشانی پیش‌آید.^۱ با توجه به ماده ۱۷ به خصوص عدم لزوم متخلفانه بودن عمل برای دولت‌ها یا سازمان‌های عضو، این موازی‌کاری بسیار جزئی است و در صورت تحقق، سازمان را می‌توان با طبق ماده ۱۶ مسئول دانست یا با تکیه بر ماده ۱۷ مسئولیت را اعمال کرد. بدین ترتیب ادعاهای احتمالی در این خصوص محلی از اعراب نخواهد داشت.

۴-۴- پیامد مستقیم احراز چندگانه مسئولیت در رابطه با گریز

در صورتی که عمل مطروح، عمل متخلفانه بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر قلمداد شود، آن‌ها را هم می‌توان مسئول دانست؛^۲ چرا که در این حالت در صورتی که تصمیم الزام‌آور هم باشد، آستانه بالایی نظیر «اجبار» ندارد که بتوان سخن از فقد مسئولیت مباشر تحت اجبار راند. در این حالت رعایت نکردن تصمیم الزام‌آور سازمان بین‌المللی تنها ممکن است مباشر را به سختی بیندازد، که به سختی افتادن هرگز نمی‌تواند مانع از مسئولیت داشتن باشد. بنابراین در پیش‌آمدن وضعیتی که مشمول مقرره‌های مندرج در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در خصوص «گریز از تعهدات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم و دادن مجوز به اعضا» است این امکان وجود دارد که هم سازمان صادرکننده تصمیم یا مجوز و هم دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر مسئول دانسته شوند. همچنین طبق بخش پنجم از مجموعه مواد ۲۰۱۱ که درصد تکمیل سکوت‌های عمدی در طرح مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است،^۳ اگر دولت عضو سازمان شرایطی را فراهم کند تا تعهدی که خودش به آن ملتزم است را از طریق سازمان انجام دهد، گریز دولت مورد بحث از تعهد تلقی می‌شود و مسئولیت آن را به دنبال دارد. طبق ماده ۴۸ و ۶۱ (الف) مواد ۲۰۱۱، مسئولیت داشتن یا نداشتن سازمان بین‌المللی مادر در این باره مانع از احراز مسئولیت دولت عضو آن سازمان نمی‌شود. در همین راستا گفتنی است که به موجب ماده ۶۳ این امر، مانع از احراز مسئولیت سازمان بین‌المللی، دولت یا سازمان بین‌المللی دیگری که مرتکب عمل مورد بحث شده است قلمداد نمی‌شود.^۴

1. See: ARIIO, 2011: 110/ para.15.

2. See: Fry, 2014: 123.

3. See: Fry, 2014: 119 & 124.

4. See: ARIIO, 2011: 167.

نتیجه‌گیری

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل پس از گذشت شصت سال مطالعه راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و صدور دو طرح ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ به ترتیب راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، موفق به ارائه دو اساس برای اعمال مسئولیت شد: نخست، مسئولیت مستقل است که بن‌مایه و سنگ‌بنای حقوق مسئولیت بین‌المللی دانسته می‌شود که به‌موجب آن هر دولت یا سازمان بین‌المللی به محض ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. در واقع، مسئولیت مستقل درصد ترسیم این مقرر است که مباشرت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، فی‌نفسه، بدون آنکه نیاز به هیچ‌گونه استنادی داشته باشد، متضمن مسئولیت بین‌المللی همان دولت یا سازمان بین‌المللی است، درحالی‌که پهنه بین‌المللی با گذر از اجتماع به جامعه و گذار از حقوق هم‌زیستی به حقوق همکاری و هم‌اکنون حقوق همبستگی منصفه ارتکاب اعمالی شده است که بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی به نحوی از انحا در آن نقش ایفا می‌کنند؛ و همین موجب شده است تا کمیسیون به مسئولیت در ارتباط با ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دیگر نیز بپردازد که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد می‌شود. منتها در هیچ‌یک از دو طرح پیش‌گفته، مناسبات و ارتباط این دو به درستی ایضاح و مشخص نشده است که با تحقق مسئولیت اشتقاقی، هریک تا چه اندازه مسئولیت خواهند داشت و مضاف بر این یکی از حالات مسئولیت اشتقاقی دولت در مجموعه مواد ۲۰۱۱ آمده است؛ حال آنکه طرح ۲۰۱۱ اساساً رسالت آن پرداختن به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی است نه دولت‌ها؛ اما از این جهت نمی‌توان خرده‌ای به کمیسیون گرفت؛ چرا که کمیسیون با دقت نظر خود بدان روی در مجموعه مواد ۲۰۱۱ به حالت چهارم مسئولیت اشتقاقی دولت‌ها پرداخته است که این قسم از مسئولیت دولت در ارتباط با سازمان بین‌المللی است و آن‌گریز از تعهد بین‌المللی دولت از طریق اعمال آن توسط سازمان بین‌المللی است. لذا ایضاح این پازل میان مسئولیت مستقل به‌عنوان اساس بنیادین و مسئولیت اشتقاقی به‌عنوان فرع بر آن، مستلزم مطالعه مجموعی هر دو آورده مطروح است.

بدین ترتیب منطقی است که هر چهار حالت کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار و گریز از تعهد بین‌المللی هم در مورد دولت‌ها قابلیت اعمال داشته باشد و هم در مورد سازمان‌های بین‌المللی. تسهیم مسئولیت در مورد هریک از این حالات چه در خصوص سازمان‌ها باشد و چه در خصوص دولت‌ها، ضابطه‌ای واحد دارد و آن این است که در وضعیت کمک یا مساعدت، طرف کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده به شرط داشتن آگاهی و تعهد، در حدود اقدامی که انجام داده مسئولیت خواهد داشت، و از این‌رو برای تقریب به ذهن با حقوق داخلی بیشتر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از گزاره‌های فقهی است تضامن حاکم می‌شود. در مورد وضعیت دوم یعنی هدایت و کنترل نیز به شرط وجود آگاهی و داشتن تعهد، مسئولیت تضامنی میان اعمال‌کننده هدایت و کنترل کننده و مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی برقرار می‌شود، اما تفاوتی که در این تضامن با حالت پیشین دارد آن است که کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده تنها تا آن اندازه در مسئولیت سهیم است که نقش داشته باشد؛ یعنی تنها در بخشی از عمل مسئولیت تضامنی وجود دارد؛ حال آنکه در وضعیت هدایت و کنترل مسئولیت تضامنی ناظر بر کل عمل ارتكابی است نه بخشی از عمل. در وضعیت اجبار، طرف اجبارکننده، صرف‌نظر از داشتن تعهد، مسئول کل عمل ارتكابی است و از آنجا که طرف تحت اجبار هیچ مسئولیتی متوجه طرف تحت اجبار نیست، قطعاً مسئولیت تضامنی در اینجا راه ندارد. مطالعه دقیق و جامع طرح‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ نشان از آن دارد که عدم مسئولیت طرف تحت اجبار در مدار عوامل زائل‌کننده و صف متخلفانه عمل ناشی از قوه قاهره است. در وضعیت گریز از تعهد بین‌المللی هم سازمان بین‌المللی هم طرفی که قصد گریز از آن تعهد را داشته است مسئول قلمداد خواهند شد و مسئولیت تضامنی در کل عمل ارتكابی حاکم و برقرار است و از این جهت نظیر وضعیت هدایت و کنترل است. بنابراین، نیک روشن است که اعمال مسئولیت اشتقاقی نه‌تنها منطبق با گزاره‌های عقلایی و منطقی است که به فراخور اقتضانات جامعه بین‌المللی برای نیل به حقیقت عدالت است.

کتاب‌نامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۳)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۴)، مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
- ستایش‌پور، محمد و مهدی حدادی (۱۳۹۶)، «کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۷۱-۷۹۵.

الف-۲: لاتین

- Ahlborn, Christiane (2012). "The use of Analogies in Drafting the Articles on the Responsibility of International Organizations: An Appraisal of the 'Copy-Paste Approach'", *International Organizations Law Review*, Vol. 9, No. 1, pp. 53-66.
- Aust, Philipp (2011). *Complicity and the Law of State Responsibility*, England: Cambridge University Press.
- Blokker, Niels (2010). "Abuse of the Members: Questions Concerning Draft Article 16 of the Draft Articles on Responsibility of International Organizations", *IOLR*, Vol. 7, No. 1, pp. 35-48.
- Crawford, James (2013). *State Responsibility: General Part*, Cambridge: Cambridge University Press.
- D'Aspremont, Jean (2007). "Abuse of the Legal Personality of International Organizations", *International Organizations Law Review*, Issue 1, Vol. 4, pp. 91-115.
- Fry, James (2007). "Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 40, No. 3, pp. 611-641.

- Fry, James (2014). *Attribution of Responsibility*, in Nollkaemper, A. and Plakokefalos, I. *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Graefrath, Bernhard (1996). "Complicity in the Law of International Responsibility", *Revue beige de droit international*, Vol. 29, pp. 370-381.
- Lanovoy, Vladyslav (2014). *Complicity in an Internationally Wrongful Act*. in Nollkaemper, A. and Plakokefalos, I. *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Quigley, John (1986). "Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility", *British Yearbook of International Law*, Issue 1, Vol. 57, pp. 77-131.
- Talmon, Stefan (2008). «A Plurality of Responsible Actors: International Responsibility for Acts of the Coalition Provisional Authority in Iraq», in P. Shiner, and A. Williams, *The Iraq War and International Law*, Oxford: Hart Publishing.

ب- اسناد

- ECHR. Judgment, Application Number. 28761/11, 2014.
- ICJ. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), 2007.
- ILA. Report of the Seventy-First Conference, 2004.
- ILC. A/64/10, Report on The Work of its Sixty-First Session, 2009.
- ILC. Yearbook, 1979.
- ILC. Draft Articles on International Responsibility of States (ARSIWA), 2001.
- ILC. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO), 2011.
- UNGA. Report of the Secretary-General, A/71/80, 2016.
- UNGA. A/C.6/59/SR.22, 2004.
- UNGA. A/C.6/59/SR.22, 2004.
- UNGA. A/71/80, 2016.
- UNSC. S/RES/929, 1994.

ج- وبسایت(های) اینترنتی

- «The Foundations of the International Legal Order», D'Aspremont, Jean (2007). Available at: <https://brill.com/view/title/16996>.